



نوژن اعتضاد السلطنه

افلاطون شرط تحقق عدالت و تبدیل جامعه به جامعه‌ای نیک را زمامداری «فیلسوفان» می‌دانست. او معتقد بود اگر در جامعه‌ای فیلسوفان شاه نشوند یا کسانی که امروز تحت عنوان شاه هستند و زمام امور را در دست دارند، به‌راستی دل به فلسفه نسپارند و اگر فلسفه و قدرت سیاسی توامان با یکدیگر نباشند، جامعه و به طور کلی نوع بشر به اهداف غایی نخواهد رسید. از این منظر بهترین جامعه فقط هنگامی محقق خواهد شد که فیلسوفان شاه یا شاهان فیلسوف شوند.

قرن‌ها از بیان نظرات افلاطون درباره لزوم زمامداری فیلسوفان می‌گذرد و با استیلای زمامدار تکنوکرات‌ها (فن‌سالاران) و تخصصی و کاربردی‌شدن علوم، تا چندی پیش به نظر می‌رسید دوران پایان «تفلسف» در حوزه سیاست و گرایش به ایدئولوژی‌ها و نظریه‌های سیاسی به پایان رسیده است. با این حال، شکست تکنوکراسی (فن‌سالاری) در اروپا باعث شده تا صدای قدم‌های فیلسوفان سیاسی برای کسب کرسی قدرت با احزاب جنوب اروپا همکاری می‌کند «پودموس» (ما می‌توانیم) در اسپانیا. پودموسی‌ها را حلقه‌ای از دانشگاهیان و مدرسان جوان از دانشکده‌های علوم سیاسی و فلسفه دانشگاه کامپلوتس مادرید تأسیس کرده‌اند.

این جریان تازه‌تأسیس در سال۲۰۱۴ میلادی به عرصه سیاست اسپانیا وارد شد و به‌سرعت به دومین حزب بزرگ اسپانیا از نظر تعداد عضو تبدیل شد. از انتخابات اروپایی ماه می سال ۲۰۱۴، پودموس نامزد‌های خود را معرفی کرد و توانست با نتایج‌ای شگفت‌آور هشت‌درصد آرا را به خود اختصاص داده و پنج‌کرسی از ۶۷ به ۶۰سال و لغو بدهی‌های دولت اسپانیا بود. این جریان تازه‌تأسیس سیاسی می‌گفت با احزاب جنوب اروپا همکاری می‌کند نمی‌خواهد «مستعمره»ای از آلمان باشد. اشاره انتقادآمیز پودموسی‌ها به سیاست‌های ریاضت اقتصادی مورد حمایت «اتگلمرکل» صدراعظم آلمان بوده است. اعضای این حزب اعلام کردند راه‌های تازه‌ای را برای حل معضلات سیاسی اسپانیا ارایه می‌دهند؛ اقدامی که تهدیدی واقعی برای نظام دوحزبی آن کشور بود. به‌مهود وضعیت اقتصادی از جمله کاهش فقر و افزایش شرافت و کرامت اجتماعی از طریق افزایش پایه دستمزد‌ها، جلوگیری از معافیت مالیاتی شرکت‌های بزرگ و چندملیتی و تقویت شرکت‌های کوچک‌تر، درهم‌شکستن مرزهای سرتاسر اروپا برای امکان‌پذیرشدن همکاری منصفانه میان اروپایی‌ها، کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و تقویت حمل‌ونقل عمومی و ابتکار عمل برای ارتقای انرژی‌های تجدیدپذیر و تقویت تولید غذاهای بومی از طریق شرکت‌های کوچک و متوسط بخشی از رنوس اصلی برنامه‌های پودموس هستند. در هسته مرکزی پودموس چهره‌ای رهبری آن جریان را برعهده دارد که مدرس علوم سیاسی و مجری برنامه تلویزیونی بوده است، «پابلو ایگلسیاس» مدرک دکترای خود را در سال ۲۰۰۸ میلادی پس از ارایه تزی با موضوع «اقدام جمعی پسمالی» دریافت کرد. او مدرک کارشناسی‌ارشد خود را در رشته علوم سیاسی مطالعات انسان‌شناسی (۲۰۱۰) از دانشگاه کارلوس سوم با موضوع تز «تجزیه و تحلیل سیاسی سینما» و کارشناسی ارشد هنر در حوزه ارتباطات (۲۰۱۱) را از مدرسه عالی اروپایی (سوتیس) دریافت کرد؛

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس؛ پیکار فیلسوفان برای قدرت



جایی که نظریه سیاسی، سینما و روانشناسی را آمخت. در سپتامبر ۲۰۱۴، ایگلسیاس پروفیسور افتخاری شد. بیش از ۳۰مقاله از او در نشریات تخصصی علمی منتشر شده‌اند. سرسختی ایگلسیاس سبب شد تا به‌زودی در میان اسپانیایی‌ها شناخته شود. محبوبیت او به حدی بود که در سال ۲۰۱۴ برای شرکت در انتخابات موفق به جمع‌آوری ۵هزار امضا شد. نکته عجیب آن بود که این امضاها تنها ظرف مدت سه‌روز گرفته شدند.

تاثیرپذیری «ایگلسیاس» از فلسفه سیاسی به عنوان رشته تخصصی او بر ایدئولوژی و رویکرد پودموس نیز تاثیرگذار بوده است. اصول ایدئولوژیک پودموس مبتنی بر مبارزه برای کسب هژمونی «آنتونیو گرامشی» بود. با این حال، رهبران پودموس به‌طور خاص از «ارنستو لاکلاو» نظریه‌پرداز سیاسی آرتزانیستی پسامارکسیست و فرضیه پوپولیسم او در ارتباط با آمریکای لاتین تاثیرپذیر بوده‌اند. رهبران پودموس نیز همانند لاکلاو به این نتیجه رسیدند؛ زمانی که مردم متوجه شوند خواسته‌های مشترک‌شان از سوی نهادهای دموکراتیک پذیرفته نمی‌شود، این موضوع به منازعه میان مردم و قدرت می‌انجامد. لاکلاو آن خواست را حس جمعی و نه حرکتی ضدبسیستم می‌خواند.

پودموسی‌ها نیز همچون لاکلاو مفهوم «پوپولیسم» را اساسا منفی قلمداد نمی‌کنند. آنان معتقدند در کشورهای مناطق توسعه‌نیافته یا در حال توسعه از جمله آمریکای لاتین دیکتاتوری‌های نظامی و همچنین نابودی اقتصاد آن قاره توسط نئولیبرالیسم پس از اجرای دستورات تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول که منجر به ایجاد فساد گسترده اداری و مالی و سرکوب خشونت‌آمیز اتحادیه‌های کارگری شد وضعیتی را به وجود آورد که پروژه‌های

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

نئولیبرالی در دهه۹۰ میلادی شکست خوردند و ضرورت طراحی یک سیاست عملگرایانه‌تر که سازوکارهای بازار را با درجه بالاتری از مقررات دولتی و مشارکت اجتماعی ترکیب می‌کرد، به‌شدت احساس شد. از این دیدگاه در کشورهای آمریکای لاتین به دلیل فساد نخیکان و بی‌اعتباری هرگونه کانالی برای ارتباط سیاسی به قدرت، سبب شد تا اکثریت مردم چاره‌ای جز آغاز حرکت‌های پوپولیستی نداشتند باشند.

خط مشی ایگلسیاس رهبر پودموس نیز نشان از آن دارد که او متوجه لزوم اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه شده و سیاستمداری پراگماتیست (عملگرا) است. او برای توجیه پراگماتیسم منظر خود در اواخر ماه نوامبر گذشته گفته بود انقلاب واقعی و صحیح لنین اجرای برنامه «نپ» بود. رهبر پودموس اجرای این برنامه از سوی رهبر پیشین شوروری را به بیدارشدن از خواب تعبیر و اظهار کرد لنین نیز متوجه شده بود ما به‌نوعی از توسعه سرمایه‌داری در حاشیه عقیده داریم چراکه بدون آن، کارکرد اقتصاد ناممکن است.

نکته جالب‌توجه دیگر که تاثیرپذیری بیشتر بنیانگذاران «پودموس» از آرای «لاکلاو» را نشان می‌دهد، توجه آنان به جنبش‌های اجتماعی است. لاکلاو در دوران رکود اندیشه‌های چپ از آثار گرامشی برای رد تقلیل‌گرایی طبقاتی استفاده می‌کرد و معتقد بود برای تحلیل تحولات اجتماعی باید از عناصر غیرطبقاتی نیز استفاده کرد. هدف اصلی پروژه لاکلاو در سطح سیاسی گسترش استراتژی سوسیالیستی برای مبارزات و انتقاد از فروکاستن مبارزه سیاسی در مارکسیسم به مبارزه طبقاتی بود. لاکلاو آگاه بود جنبش‌های سیاسی به نیرویی سیاسی تبدیل شده‌اند و به دلیل تحولات نظام سرمایه‌داری موثرتر از حاملان پیشین انقلاب سوسیالیستی یعنی طبقه کارگر عمل می‌کنند. او معتقد بود مارکسیسم ارتدوکس نمی‌تواند برای جنبش‌های اجتماعی که حول محور سیاست‌های جنسیتی، نژادی و زیست‌محیطی سازمان یافته‌اند، اهمیت کافی قابل شود. نگاهی به فعالیت‌های حزب پودموس نیز نشان می‌دهد آن جریان سیاسی خواسته‌های خود را هم‌زمان با جنبش ضدریاضت اقتصادی در اسپانیا تحت عنوان «ام- ۱۵» مطرح کرد. از دیدگاه رهبران پودموس می‌توان بر خشونت دولتی، منازعه طبقاتی و ماهیت بورژوازی دولت دموکراتیک بدون انقلاب از پایین هم فائق آمد. پایندی «ایگلسیاس» رهبر پودموس آنجا آشکار می‌شود که او در آخرین کتاب خود ایده بدیل انقلابی مارکسیستی را ایده‌ای مدخوش و آن را برابر با اقدامات شکست‌خورده کشورهای شبه‌مسلمح نظامی کوچک از جمله شاخه «ارتش سرخ» در آلمان یا گروه جدایی‌طلب «اتا» در باسک می‌داند. او در مقابل معتقد است تنها راه تغییر، به‌کارگیری استراتژی گرامشی برای انجام اصلاحات به مثابه یک بازی شطرنج است. او معتقد است مارکسیست‌ها و لنین نیز موافق با کسب قدرت دولتی به‌جای درهم‌شکستن آن و تشکیل یک دولت کارگری نئون بودند.

در زمانه‌ای که نئولیبرال‌ها برای نقد چپ از واژه «پوپولیسم» به عنوان ناسزایی سیاسی استفاده می‌کنند (در حالی که اوج پوپولیسم عوامانه را یکی می‌توان در جریان راست بین‌المللی و از جمله در چهره‌های شاخص آن همچون برلوسکونی، مارین لوین و سارکوزی مشاهده کرد) حزب پودموس با پرچم پوپولیسم واقع‌بینانه چپ با هدف پایان‌دادن به میراث دیکتاتوری و ۴۰سال‌هجمه سرمایه‌داری الیگارشیک و نئولیبرال در اسپانیا به میدان آمده و در زمانه‌ای که فساد مالی و بیکاری در آن کشور موج می‌زند، قصد دارد روبرای بیشتر را برای شهروندان اسپانیایی به ارمغان آورد. اگر پودموسی‌ها پس از کسب احتمالی قدرت نیز به آرای لاکلاو پایبند باشند، شاید بتوانند راحت‌تر بر چالش‌های پیش‌رو فائق آیند و آرمان او را تحقق بخشند؛ ایجاد دموکراسی رادیکال از طریق سیاسی‌کردن مداوم و پیاپی جامعه و برقراری هویت‌ها و روابط برابرتر و مترقی‌تر از طریق تقویت مبارزه جنبش‌های اجتماعی مکتوتر.

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

شفافیت گمشده

برای بررسی نقش همکاری‌های گروهی جهت مبارزه با فسادهای مالی در هر کشوری، در ابتدا باید این مساله را در نظر بگیریم که چرا کنترل فساد دشوار است.

بدون شک و به‌طور واضح فسادهای مالی، یک‌مشکل جهانی است؛ این مساله نرفته‌ها به پیشرفت اقتصادهای صنعتی در کشورهای توسعه‌یافته آسیب وارد می‌کند، بلکه به بازارهای تجاری در کشورهایی که اقتصاد دولتی دارند نیز لطمه وارد می‌کند.

حال فرقی نمی‌کند این دولت‌ها حکومتی دموکراتیک دارند، تحت سلطه رژیم‌های خودکامه هستند یا فرآیند دموکراتیزاسیون را تجربه می‌کنند. رسوایی‌های مالی و اخلاص‌ها در اروپا، ژاپن و کره‌جنوبی در حقیقت اندیشه اینکه فساد بیماری‌ای است که تنها کشورهای درحال‌توسعه را هدف قرار می‌دهد، از بین برده است. از سوی دیگر، باید توجه کنیم مزایای چنین اقداماتی برای اعلان آن بسیار عظیم است. در این‌میان، مقام‌های دولتی‌ای که درگیر این قبیل اقداماتی می‌شوند، به دلیل گرفتن رشوه‌های بی‌شمار، به سرمایه‌های بزرگی دست پیدا می‌کنند چرا که برای شرکت‌ها بهترین راه برای پیروزی، دادن همین رشوه‌های انبوه است. این‌در حالی است که پرداخت همین‌مبالغ به اقتصاد رقابتی در کشورهایی که تکنولوژی برتر یا هزینه‌های مالی کمتر دارند، آسیب بزرگی وارد می‌کند.

یکی از دلایل افزایش چنین فسادهای مالی‌ای آن است که به‌طور سنتی احتمال افشای آنان بسیار کم است. این رشوه‌ها همگی از راه‌های مخفیانه و معمولاً توسط شخص سوم پرداخت می‌شود. در همین‌حال، در کشورهای

که اعضای حکومتی آن در چنین فسادهایی دست دارند، به‌ندرت عاملان آن تحت تعقیب قرار می‌گیرند و محاکمه می‌شوند. در اکثر موارد سازمان‌های داخلی برای فرار از قانون، شعبه‌هایی را در خارج از مرزهای کشور مبدأ راه‌اندازی می‌کنند که احتمال دستگیری و محاکمه آنان را به حداقل برساند.

به همین‌دلیل آمریکا اخیراً با اتخاذ قوانینی، رشوه مقام‌های خارجی را نیز جرمی قابل تعقیب در خاک این کشور خوانده است. به گفته متخصصان، اختلاس و دیگر فسادهای مالی معمولاً در کشورهای روی می‌دهند که قوانین بانکی آنان آسیب‌پذیر است.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی و سیاسی معتقدند در تاریخ انتخابات جهان، همواره مطرح‌شدن پرونده فساد مالی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاندیداها برای حذف رقیب است.

آنان بر این باورند که احزاب و جناح‌های سیاسی همواره درصد تحسین در زندگی و فعالیت‌های رقبای خود هستند تا بتوانند از این فرصت مناسب استفاده کنند و به همین‌دلیل اکثر پرونده‌های مالی در دوران نزدیک به انتخابات یا در زمان مطرح می‌شود که روسای کشورها در معرض شدیدترین حملات در داخل و خارج هستند.

برخی از کارشناسان بر این باورند که داشتن جامعه مدنی و مطبوعات آزاد، از اصلی‌ترین عوامل برای جلوگیری گسترش فساد در هراجمعه‌ای است؛ چرا که مطبوعات آزاد و فعالیت بخش‌های داخلی بهترین عامل برای مقابله با هرخطر جدی‌ای است و در غیراین‌صورت فساد در تمامی ارگان‌ها نفوذ می‌کند.

آنان ادامه می‌دهند با اطلاع‌رسانی آزاد، سران دولت‌ها به اطلاعات بیشتری دست می‌یابند و این مساله زمانی بیشترین تاثیر را دارد که محدودیت انتقاد از حاکمان وقت و مقام‌های دولتی یکپارچه می‌شوند یا خیر.

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات

پودموس در جریان تظاهرات



نوژن اعتضاد السلطنه

تشکیل اتحادیه اروپا نتیجه فرآیند ادغام دموکراتیکی بود که بیش از آنکه بر قوای نظامی تأکید کند، به وسیله مطالبات آزادانه اعضای آن هدایت می‌شد. این امر سبب شده بود تا اتحادیه اروپا به سطح بی‌سابقه‌ای از تأمین امنیت و پیششاری در ایجاد نهادی با ابتکار عمل کشورهای اروپایی برسد. امروز اما این احساس وجود دارد که این اتحادیه بیش از آنکه به سمت «همکاری» اعضایش حرکت کند، بر محور «منازعه» قرار گرفته است.

برخی از کشورهای عضو، حق خود می‌دانند دست به اقدامات یکجانبه‌ای حتی در حوزه ارایه و دریافت کمک مالی بزنند. در حالی که بخشی از کشورهای این قاره نقش وام‌دهنده و کمک‌کننده را ایفا می‌کنند و این موضوع را ناپایده می‌گیرند که چه میزان آسیب‌های اجتماعی به دیگر کشورهای عضو وارد کرده و این نوع تحرکات سبب ایجاد بحران بدهی کنونی شده است.

به طور کلی، اقدام اروپایی یک فرآیند است. کشورهای عضو با ثروت کمتر از ابزارهایی چون وجوه ساختاری و صندوق‌های مالی کمکی بهره می‌برند. این سازوکارها به آنان اجازه می‌دهد تا بتوانند میزان درآمد سرانه خود را افزایش دهند. با این‌حال، بحران اقتصادی کنونی، دیدگاه شهروندان آن کشور را نسبت به سود و زیان‌های باقی‌ماندن در اتحادیه اروپا تغییر داده است.

جای تعجب ندارد که این تغییرات باعث افزایش مطالبه «حاکمیت ملی» از سوی احزاب پوپولیست ازجمله حزب تازه‌پیروزشده «سیریزا» در یونان شود. تمام این احزاب پوپولیستی از راست تا چپ در تضاد با اصطلاح «قدرت‌های خارجی» و به دنبال تغییر مسیر خود از محور سیاسی اتحادیه اروپا هستند.

در این گفت‌مان، حاکمیت به‌معنای «توانمندسازی» است و نهادهای اتحادیه اروپا «غیردموکراتیک» قلمداد می‌شوند. در نتیجه در چنین گفت‌مانی حاکمیت به مفهومی «اغواکننده» برای شهروندان عضو کشورهای جنوب اروپا تبدیل می‌شود و در نتیجه آن، شهروندان به این نتیجه می‌رسند ساختار «متصلب» اتحادیه اروپا مقررات دست‌وپاگیری را بر آنان تحمیل کرده است. همچنین کشورهای شمال اروپا نیز پیام ساده‌ای برای آنان دارند: شرکای جنوبی آنان هزینه اقدامات غیرمسئولانه خود را می‌پردازند و باید خودشان برای حل مشکلاتشان تلاش کنند.

ریشه هر دودیدگاه ترس و عدم قطعیت ایجادشده بر اثر جهانی‌شدن است. این موضوع سبب شده تا شهروندان درباره امنیت خود با عدم اطمینان و هراس مواجه شوند. با این‌حال، راه بازگشتی به سوی نظامی جهانی که در آن دولت و ملت‌ها جدای از یکدیگر تعریف شوند، وجود ندارد.

البته اعضای اتحادیه اروپا دولت‌هایی با حاکمیت هستند و در میان خود درباره مسائل مختلف گفت‌وگو می‌کنند. با این‌حال، باوجود آنکه این کشورها مستقل هستند، اما تصمیمات‌شان تابع



عوامل بیرونی است. همچنین می‌توان گفت وابستگی کشورهای اروپایی به یکدیگر صرفاً از وجود واحد پولی مشترک نشأت نمی‌گیرد، بلکه ثمره تعامل بی‌پایان اقتصادی و اجتماعی است که در میان اعضای اتحادیه اروپا وجود دارد.

اما راه میانه‌ای نیز وجود دارد. اتحادیه اروپا باید به تعهد خود بر دموکراتیزاسیون بیشتر نهادهایش عمل کند؛ همان‌گونه که این کار را در عمل در زمان برگزاری انتخابات پارلمان اروپایی انجام داد. اعضای اتحادیه اروپا باید به عنوان بازیگران دارای حاکمیت ادغام را با میل خود بپذیرند که این موضوع به نفع آنان خواهد بود و از هزینه‌هایشان خواهد کاست.

از سوی دیگر، نهادهای اروپایی بازتاب‌دهنده این پویایی هستند. برای مثال، «سازوکار ثبات» اروپایی پروژه‌ای جمعی است که هدف آن محافظت از ثبات منطقه مالی یورو و نه سلطه آن است. سیستم‌های مالی اتحادیه اروپا متعلق به همه اعضا هستند چرا که ورشکستگی‌ها رهضوب بر دیگر اعضا تاثیرگذار است. پس اگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیست به چالش مالی هر یک از اعضا بی‌توجه باشند، در واقع علیه منافع خود گام برداشت‌اند.

واضح است وابستگی متقابل موضوعی است که نه می‌توان از آن اجتناب کرد و نه از مسوولیت‌هایی که به دنبال آن می‌آید. شانه خالی کرد. این ایده آنجا دچار مشکل می‌شود که یک کشور عضو اتحادیه اروپا بخواهد تمام مشکلات خود را با ارجاع به مفهوم حاکمیت ملی حل کند. این یک مغلطه فکری و خیال واهی سیاسی است. این موضوع می‌تواند منبعی برای سرخوردگی اجتماعی نیز باشد چرا که مفهوم حاکمیت، نافی وابستگی متقابل نیست. اسطوره ایجادشده درباره حاکمیت در اتحادیه اروپا سابقه‌ای طولانی دارد و باعث ایجاد احساسات خطرناک ملی‌گرایانه و هراس شهروندان اروپایی از «دیگری» شده است. کشورهای عضو به‌خصوص یونان، باید درک کنند وابستگی متقابل امری اجتناب‌ناپذیر است و در صورت مدیریت صحیح آن می‌تواند امری خوشایند باشد؛ همان‌گونه که «الکسیس تسپیراس» نخست‌وزیر یونان نیز اخیراً اذعان کرده «اروپا فضایی برای گفت‌وگو و مصالحه با نفع متقابل» است. «ادغام» یک گزینه است و برای هرکشور عضوی مفید و سودمند است. اروپا برای تقویت هویت‌های چندگانه اعضای خود باید کار زیادی انجام دهد تا در منازعه بیشتر جلوگیری کند. پس چه از کشورهای عضو شمال اروپا باشیم چه جنوب، از آلمان یا یونان، ما همگی اروپایی هستیم و باید برای تقویت این قاره بکوشیم.

پودموس در جریان تظاهرات